

## Anthropological foundations of Allameh Hassanzadeh Amoli and inference of principles and methods of social education from it

<b>Seyed Sadr al-Din Shariati</b>	Assistant Professor of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
<b>Rohollah Hassanzadeh</b>	Ph.D. Student in Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
<b>Saeed Beheshti</b>	Professor of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
<b>Ahmad Salahshoor</b>	Assistant Professor of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

### Abstract

The aim of the present study is to deduce the principles and methods of social education from Allameh's anthropological point of view using Frankenna's inferential method. The paradigm of research is qualitative and its type is practical and the research question is the inference of the principles and methods of social education from the anthropological foundations of Allameh using Frankenna's inferential method from his anthropological books. The results showed that the principles of their social education are: the interaction of individuals and society with each other; Existence of individual differences in human beings; Cultivating human intellectual powers; Creating a rational human society; The interaction of science and practice with each other; Altruism and kindness to people; Honoring human beings; Cooperation with each other; Seeking justice; Moderation; Freedom; responsibility; No evasion. Methods of social education also include: staying away from talented people and joining competent people; Attention to the breadth and ability of human beings; Following the instructions of the Qur'an; Use of science and experience; Purification of imagination; Use of experienced professors and trainers; Following the model of a perfect human being; Education and discipline; Utilizing beneficial knowledge and righteous action; Love and kindness to the people; Humility and humility with all people; Respect and appreciation of the people; Partnership with each other; Caring for relatives and friends; Self-standard; Economy and moderation in life; Applying religion to the knowledge of true freedom; Opposition to the air of the soul; Perform tasks correctly; The gradual nature of social education; Loo time.

**Keywords:** Anthropological foundations, Allameh Hassanzadeh Amoli, Social Education, Frankenna Method, Principles, Methods

Corresponding Author: dearpradis@gmail.com

**How to Cite:** Hassanzadeh, R., Shariati, S. S. A., Beheshti, S., & Salahshoor, A. (2021). Anthropological foundations of Allameh Hassanzadeh Amoli and inference of principles and methods of social education from it. *Educational Psychology*, 17(61), 139-164. doi: 10.22054/jep.2022.63596.3475

## مبانی انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی و استنتاج اصول و روشهای تربیت اجتماعی از آن

سیدصدرالدین

شریعتی\*

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

روح اله حسن زاده

دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)،

تهران، ایران

سعید بهشتی

استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

احمد سلحشوری

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، استنتاج اصول و روشهای تربیت اجتماعی از دیدگاه انسانشناختی علامه با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا از کتابهای انسانشناختی ایشان است. پارادایم تحقیق، کیفی و نوع آن کاربردی است. نتایج نشان داد اصول تربیت اجتماعی ایشان عبارتند از: تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر؛ وجود تفاوت‌های فردی در انسانها؛ پرورش قوای عقلانی انسان؛ ایجاد جامعه عقلانی انسانی؛ تأثیر متقابل علم و عمل بر یکدیگر؛ نودوستی و مهربانی با مردم؛ تکریم انسانها؛ تعاون و همکاری با یکدیگر؛ صلح ارحام؛ عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم؛ اعتدال؛ آزادی و اختیار (پرورش انسان آزاده)؛ مسئولیت‌پذیری؛ عدم طفره. روشهای تربیت اجتماعی نیز عبارتند از: دوری از افراد طالح و پیوستن به افراد صالح؛ توجه به وسع و توانایی انسانها؛ پیروی از دستورات قرآن و ائمه (پیاده کردن قرآن در زندگی)؛ استفاده از علوم و تجربیات؛ تطهیر قوه خیال؛ استفاده از اساتید و مربیان خبره؛ الگوبرداری و تبعیت از الگوی انسان کامل؛ تعلیم و تأدیب؛ بهره‌گیری از علم نافع و عمل صالح؛ محبت و نیکی با مردم؛ تواضع و فروتنی با همه مردم؛ احترام و قدرشناسی از مردم؛ مشارکت با یکدیگر؛ رسیدگی به خویشان و نزدیکان؛ خودمعیاری؛ اقتصاد و میانه روی در زندگی؛ بکارگیری دین در شناخت آزادی حقیقی؛ مخالفت با هوای نفس؛ انجام درست وظایف؛ تدریجی بودن تربیت اجتماعی؛ غنیمت شمردن زمان.

**کلیدواژه‌ها:** مبانی انسان‌شناختی، علامه حسن زاده آملی، تربیت اجتماعی، روش فرانکنا،

اصول، روشها

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه

طباطبایی (ره) تهران، است.

\* نویسنده مسئول: dearpradis@gmail.com

## مقدمه

واژه «انسان‌شناسی»<sup>۱</sup>، برای اولین بار توسط ارسطو مورد استفاده قرار گرفت (فرید، ۱۳۸۰) و ظهور انسان‌شناسی به عنوان علمی مستقل، در قرن هجدهم در مغرب زمین شکل گرفت. انسان‌شناسی از چنان شأنی برخوردار است که هیچ فیلسوفی رانمی توان یافت که بدان نپردازد و از مهم بودن آن سخن نگوید؛ به عنوان نمونه، علامه حسن زاده آملی فرموده اند: «معرفت آن اشرف معارف است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۰).

انسان‌شناسی معاصر، در سه شاخه اصلی «علمی»، «فلسفی» و «دینی» خلاصه می‌شود. هر کدام از آنها با مشکلات و چالش‌هایی روبرو هستند که ناتوان و سرگردان و متحیر در پاسخ به سؤال‌های محوری انسان معاصر می‌باشد (واعظی، ۱۳۷۷)؛ بطوریکه از غایت افراط تا نهایت تفریط ادامه دارد؛ مثلاً پروتاگوراس انسان را «مقیاس همه چیز» (افلاطون، ۱۳۶۷) و ارسطو انسان را «حیوان ناطق» و هابز حقیقت انسان را «گرگ» (فروغی، ۱۳۷۲) و نیچه او را «حیوان ناتمام» معرفی (همان) و انسان‌شناسی مسیحی، انسان را موجودی ذاتاً گناهکار می‌داند (پترسون و دیگران، ۱۳۸۳). لذا برخی به جای پی افکندن چارچوب جدید در بحث انسان، «طبیعت واحد انسانی» را منکر شده و می‌گویند: «شاید سخن گفتن از طبیعت انسان، یک دروغ باشد» (گاست، ۱۳۷۶). گروهی نیز مانند فایریند، بر این باورند که دستیابی به معرفت و شناخت قابل اتکا و نقد ناپذیر، رؤیایی غیرقابل دسترس است (چالمرز، ۱۳۹۶) و گروهی بر آن است که بحرانی که شلر از آن یاد کرده، ناشی از فقدان ارتباط معرفتی میان سه نوع انسان‌شناسی علمی، فلسفی و دینی است.

با در نظر گرفتن موارد فوق، با بررسی‌هایی که در زمینه‌های مختلف فلسفه، عرفان و دین، انجام شد علامه در هر سه زمینه فلسفی، عرفانی، دینی و حتی علمی کم نظیرند؛ دلیل بر مدعا، نظر مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) که در بزرگداشت مقام علمی ایشان فرمودند: «استادی کسی همچون حضرت آقای حسن زاده آملی (دامت معالیه) که میان مراتب عالی‌ه علمی و مقامات و فتوحات معنوی و روحی جمع کرده اند برای هر موسسه علمی و دانشگاهی و حوزه ای مغتنم و موجب افتخار است» (رمضانی، ۱۳۷۴). لذا اگر ایشان رایکی از محققان سرآمد این موضوع در دوره معاصر بنامیم، حرفی به گزاف نگفته ایم (مهملی پور و بهادری، ۱۳۹۰). لذا انسان‌شناسی ایشان که جامع قرآن (دین)، عرفان و عقل (فلسفه) است

برای تحقیق انتخاب شد تا از چالشها برکنار و دارای مزایای آنها باشد. از نظر ایشان، انسان حقیقت واحدی است که بدنش مرتبه نازله اوست و یک هویت و شخصیت است (حسن زاده آملی، ۱۳۶۹) و نفس وی، دارای مراتب تجرد برزخی، تجرد عقلی و فوق تجرد عقلی و مقام لایققی نفس می باشد.

به تبع انسان‌شناسی، یکی از موضوعات مهم در جوامع مختلف، «تربیت اجتماعی» است. در تربیت و تعاملات اجتماعی از نظر عملی رویکردهای متفاوت و گاه متعارض را شاهد بوده ایم که هم اکنون نیز جاری است. این بخش نیز در سه دسته قابل بررسی است: رویکرد طردی و واکننده که انحصارگرایی حیطة نظری را به حیطة عملی وارد ساخته و خود را مالک حقیقت و غیر خود را عاری از حق و بالطبع محروم از هر حقوقی می داند. نمونه آن در این زمان، داعش است (محمودیان، ۱۳۹۱). رویکرد دیگر، انحلالی و سکولار است که همه مرزبندیهای ارزشی را بی موضوع و نامعتبر قلمداد می کند و نسبییت گرایی در حوزه ارزشها در آن مشهود است، تلاش خود را صرفاً معطوف به نادیده گرفتن تفاوتها ساخته و تعامل و ارتباط با دیگری را از منظر صرفاً کارد گرایی و سودانگاران دنیال می کند. رویکرد سوم رویکردی است که از یک سو به ارزش ذاتی ابناء بشر فارغ از هر عقیده ای باور دارد و کرامت انسانی را به انسان بودن و ربط تکوینی او به خدا (خلق واحد) و نه صرفاً ربط تشریحی متعلق می داند و از سوی دیگر ماهیت انسان را در تعامل و ارتباط فهم می کند (علیا، ۱۳۸۸). تربیت اجتماعی به این معنا در بر دارنده «آگاهی اجتماعی» و «مهارتهای ارتباطی» به عنوان دو عنصر جدایی ناپذیر در تربیت اجتماعی است (اشر و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به رویکرد سوم درباره تربیت اجتماعی، باید گفت علامه متفکری مطابق با فرهنگ ایرانی - اسلامی است که متأسفانه هیچگونه بحثی درباره اصول و روشهای تربیت اجتماعی بر اساس انسانشناسی ایشان ارائه نشده و انجام این کار در زمینه تربیت اجتماعی به رفع کمبودهای نظام تعلیم و تربیت کمک می کند. البته تربیت اجتماعی منبعث از انسانشناختی علامه، دیدگاهی خدامحورانه است و ارتباطات انسان، در سایه ارتباط با خدا شکل می گیرد و «رابطه با خدا» محور رابطه با خود، خلق خدا و با خلقت است (ذوعلم، ۱۳۹۸). لذا تربیت اجتماعی از نظر علامه به لحاظ نظری متعلق به رویکرد مثبت نگر و سازنده از ارتباطات انسانی است و به لحاظ عملی متعلق به رویکردی است که به ارزش ذاتی ابناء بشر فارغ از هر عقیده ای باور دارد و کرامت انسانی را به انسان بودن و ربط تکوینی او به خدا متعلق می داند و ماهیت

انسان را در تعامل و ارتباط فهم می‌کند. لذا در این مقاله، کتب و آثاری از علامه، مورد توجه بوده که اولاً بیانگر نظرات خاص علامه در زمینه انسان‌شناختی باشد، ثانیاً امکان استخراج موارد فوق را داشته باشد.

در ارتباط با پژوهش حاضر، مطالعات تنها به انسان‌شناختی علامه به طور کلی پرداخته و ذکر اصول و روش‌های تربیت اجتماعی نیامده است. بعضی پژوهش‌ها، اهداف و روش‌ها به طور کلی نام برده شده؛ اما در پژوهش حاضر، اولاً اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از مبانی انسان‌شناختی ایشان استخراج گردیده؛ ثانیاً از روش فرانکنا بهره برده شده؛ لذا خلأ پژوهش حاضر احساس می‌شود. بنابراین با توجه به توضیحات فوق، این مقاله، به دنبال پاسخ سؤالات ذیل است:

- اصول تربیت اجتماعی بر مبنای انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی کدامند؟

- روش‌های تربیت اجتماعی بر اساس اصول علامه حسن زاده آملی کدامند؟

### پیشینه پژوهش

با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، موردی با عنوان فوق یافت نشد؛ لذا مواردی را که نزدیک به عنوان مقاله انجام شده ذکر می‌گردد:

فهیمی نیا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «انسان‌شناسی فلسفی - عرفانی از دیدگاه علامه حسن زاده آملی»، به مراتب نفس و کینونیت‌های انسان و انسان کامل در نظام هستی پرداخته و انسان را دارای کینونتی قبل از دنیا، در دنیا و پس از دنیا می‌داند. همچنین به سه مرتبه تجرد برزخی، تجرد عقلانی و تجرد فوق عقلانی معتقد است. نقوی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «بررسی مقایسه‌ای کمال و غایت نفس در دیدگاه آیت الله حسن زاده آملی و یاسپرس» بیان می‌دارد علامه کمال نفس ناطقه انسانی را در دو بعد نظری و عملی اتحاد با عقل فعال و از طریق حرکت جوهری و رسیدن به مقام قرب الهی می‌داند. همچنین عوامل کمال نفس شامل انتخاب استاد راهنما، دوام طهارت، عزم، همت و صبر، مراقبت، معرفت نفس، فعلیت بخشیدن به قوه‌ها و تمسک به قرآن و ولایت و موانع کمال را، گناه، علم در خدمت مادیات، آلودگی نفس، غرور و خودفراموشی بیان می‌کند. فضل‌اللهی (۱۳۹۲) در مقاله «نگاهی به فلسفه تربیتی علامه حسن زاده آملی» به نتایج زیر دست یافت: هدف تربیت از نظر ایشان، سعادت جاودان، سعادت نفس انسانی، کمال وجود و خداشناسی است که مقدمه آن خودشناسی است. تفکر درباره خویشتن، رجوع به قرآن، فروتنی و خوف انسان در برابر عظمت کبریایی خداوند، تفکر درباره ابدیت، توجه

به نیازهای ملوک و ملکوت، ریاضت، نظر در نحوه تحصیل معارف خود، عرفان، علم و عمل و تأمل در فرایند رشد انسان از روش‌های تربیتی هستند. قیصوری (۱۳۹۵) در پایان نامه «نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن زاده آملی» گفته‌اند: علامه تأکید زیادی بر شناخت نفس دارند و شناخت انسان و آگاهی از ویژگی او منبع تدوین اهداف تربیتی است و تأکید فراوانی بر شناخت نفس دارد و به تهذیب نفس دستور می‌دهد. در تحقیقات فوق، هیچگونه شماره‌ای به اصول و روش‌های تربیت اجتماعی نشده و تنها، نقوی (۱۳۹۲) و فضل‌اللهی (۱۳۹۲) به بیان روشها، آن هم بطور کلی و نه اختصاصاً درباره روش‌های تربیت اجتماعی و روش فرانکنا پرداخته‌اند؛ لذا جای پژوهش حاضر خالی و انجام آن الزامی است.

## روش

روش به کار رفته برای استنتاج اصول و روشها، الگوی بازسازی شده فرانکنا می‌باشد. در این الگو دو نوع گزاره به کار می‌رود: گزاره‌های هنجاری و گزاره‌های واقع‌نگر. گزاره‌های هنجاری که دارای ماهیت تجویزی‌اند، سه گونه می‌باشند: گزاره‌های مربوط به اهداف تربیتی، گزاره‌های مربوط به اصول و گزاره‌های مربوط به روش‌های عملی، که باید در تعلیم و تربیت به کار رود. گزاره‌های واقع‌نگر، دارای ماهیت توصیفی بوده، به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. این گزاره‌ها خود بر دو نوعند: گزاره‌های مربوط به آنکه برای نایل شدن به اهداف یا برخی از اصول، چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی لازم یا مناسب است. همچنین گزاره‌های مربوط به اینکه برای کسب دانشها چه روشهایی مفید و مؤثر است. گزاره‌های واقع‌نگر می‌تواند شامل فرضیه‌های تبیین‌کننده نظریه‌های روان‌شناسی، یافته‌های تجربی، گزاره‌های معرفت‌شناختی، متافیزیک یا الهیاتی باشد. در این روش برای استنتاج اصول باید گزاره‌های واقع‌نگر لازم برای نیل به اهداف، به آنها افزوده شود. همچنین برای استنتاج روشها از اصول، لازم است که گزاره‌های واقع‌نگر روشی به آن افزوده شود تا به کمک اصل و این گزاره روش مطلوب به دست آید (باقری و همکاران، ۱۳۸۹). استخراج اصول و روش‌های تربیت اجتماعی با توجه به مبانی انسان‌شناختی با استفاده از روش استنتاج عملی صورت می‌گیرد. بررسی الگوی فرانکنا در بکارگیری روش استنتاج عملی، نشان داد که این الگو را می‌توان به صورت پس‌رونده، برای تحلیل و ارزیابی فلسفه تعلیم و تربیت و به صورت پیش‌رونده برای نظریه‌پردازی در این عرصه به کار گرفت (باقری، ۱۳۹۴). از آنجا که کار این تحقیق، تحلیل و تبیین تربیت اجتماعی علامه با اتکا به نظر انسان‌شناختی

ایشان است از قیاس عملی پس رونده استفاده می‌گردد. در قیاس عملی پس رونده، با در نظر گرفتن دانشها و مهارتهای مطلوبی که در فلسفه‌ای مطرح شده می‌پرسیم که چه توجیهی برای آن بیان شده و به عبارت دیگر، چه اهدافی در نظر گرفته شده (مقدمه هنجارین) و چه گزاره‌های واقع‌نگری برای نیل به آنها (مقدمه توصیفی) مطرح شده است. در مواردی که بیان روشنی از هدف یا اصلی وجود دارد از روش قیاس عملی پیش رونده استفاده می‌شود. برای استنتاج اصول تربیت اجتماعی، باید از اهداف تربیت اجتماعی و نیز گزاره‌های واقع‌نگر و برای روشهای تربیت اجتماعی، از اصول تربیت اجتماعی و گزاره‌های روشی توصیفی به منزله مقدمات یک استدلال عملی بهره‌جست. همچنین روش به کاررفته برای تعیین مبانی انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی، «تحلیل محتوای کیفی» از نوع «توصیفی-تحلیلی» بوده است. این روش، موقعیت یک پدیده را توصیف می‌کند و هیچ‌گونه فرضیه‌ای را پیشنهاد نمی‌کند بلکه صرفاً موقعیت موجود را توصیف می‌کند. تحقیق در مقام توصیف بدنبال کشف چیستی و واقعیت اندیشه علامه با احتراز از هر پیش‌داوری است. لذا اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست آمده، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان براساس آن، به پرسش پژوهشی پاسخ داد (ساروخانی، ۱۳۷۱). البته هدف در اینجا تبیین کمی مفاهیم نیست بلکه جستجوی مبانی است که می‌تواند ما را در درک عناصر اصلی اندیشه علامه یاری رساند؛ لذا مبانی به اختصار و تیتروار در بخش اصول تربیت اجتماعی بیان شده است. این موارد، از منابع دست اول علامه مانند دروس معرفت نفس؛ انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه؛ عیون مسائل نفس؛ گنجینه گوهر روان؛ هزار و یک نکته و کلمه و ... و منابع دست دوم مانند شرح‌های صمدی آملی به دست آمده و روش جمع‌آوری داده‌ها، «کتابخانه‌ای» و ابزار آن، «فرم‌های فیش برداری» است.

اصول تربیت اجتماعی بر مبنای انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی کدامند؟ برای استنتاج اصول تربیت اجتماعی باید ابتدا، مبانی انسان‌شناختی علامه را به طور تیتروار نام برده و سپس براساس هدف تربیت اجتماعی، از ترکیب مقدمات هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر، اصول را به دست آورد. مبانی عمده انسان‌شناختی از دیدگاه علامه بدین نحو صورت بندی شده‌اند: اصالت فرد و اجتماع؛ وجود تفاوت‌های فردی در عین برابری انسانها؛ قدرت اندیشه ورزی انسان؛ گرایش نوع دوستی و مهربانی در انسان؛ فطرت عدالتخواهی انسان؛ آزادی، اراده و اختیار در انسان. لازم به ذکر است روش به کاررفته برای تعیین مبانی انسان

شناختی علامه، «تحلیل محتوای کیفی» از نوع «توصیفی-تحلیلی» می‌باشد. این روش، موقعیت یک پدیده را توصیف می‌کند و هیچ‌گونه فرضیه‌ای را پیشنهاد نمی‌کند بلکه صرفاً موقعیت موجود را توصیف می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۱). تحقیق در مقام توصیف بدنبال کشف چستی و واقعیت اندیشه علامه با احتراز از هر پیش‌داوری است. لذا اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست آمده، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان براساس آن، به پرسش پژوهشی پاسخ داد. البته هدف در اینجا تبیین کمی مفاهیم نبوده بلکه جستجوی مبانی است که می‌تواند ما را در درک عناصر اصلی اندیشه علامه یاری رساند؛ لذا به خاطر اختصار، به صورت تیتروار در سطور فوق، بیان شده است. این موارد، از منابع دست اول علامه مانند دروس معرفت نفس و ... و منابع دست دوم مانند شرح‌های صمدی آملی به دست آمده است. درباره هدف تربیت اجتماعی نیز باید گفت؛ در دیدگاه علامه هدف «انسان کامل قرآنی» شدن است و وقتی نفس انسانی به کمال رسید، انسان سعید می‌گردد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۶). انسان باید تمام همت خود را برای تبدیل شدن به «انسان قرآنی» صرف نماید. زیرا: «قرآن صورت کتبه انسان کامل است و هر کس به هر اندازه که واجد آن است به همان اندازه قرآن و انسان است» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹). باین توضیحات هدف غایی تربیت اجتماعی، توحید قرآنی صمدی است که مترادف با پرورش انسان کامل قرآنی در جامعه عقلانی انسانی است. در نتیجه ترکیب هدف مذکور با مبانی انسان‌شناختی، می‌توان ساختاری استنتاجی فراهم آورد که حاصل آنها اصول تربیت اجتماعی است.

- اصل تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر: علامه می‌فرماید: «با مردم باش و بی مردم باش، نه می‌شود با مردم بود نه می‌توان بی مردم» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). عبارت «با مردم باش» نیم‌نگاهی به جامعه دارد و خواستار ارتباط و توجه به روابط صحیح در جامعه انسانی دارد و «بی مردم باش» مخالف از دست دادن فردیت فرد در ارتباط با جامعه بوده و استقلال وجودی شخص در برابر جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین براساس تعبیر زیبای امام صادق (ع) که فرمودند: «کن مع الناس ولا تکن منهم»؛ «با همه مردم باش ولی از آنها نباش»؛ در عین پذیرش دیگران و رعایت ارزشهای الهی در جامعه، باید فردیت خود را نیز حفظ کرد تا دچار مشکلات تقلید کورکورانه از جامعه نشود. استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید بر تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر تأکید شود.



گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر همراه است. اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر صورت پذیرد.

- اصل وجود تفاوت‌های فردی در انسانها: علامه درباره تفاوت انسانها با یکدیگر می‌فرماید: «همچنان که کوهها دارای معادن طلا و نقره و غیرها هستند، انسانها نیز دارای معادن گوناگون حقایق و معارف‌اند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). از تفاوت‌های انسانها، جهت‌گیری ارزشی آنهاست: «آن که به هر آرمان است، ارزش او همان است» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰) و تفاوت دیگر در علم و عمل می‌باشد: «هر که بینش و دانش او بیش است از دیگران پیش است» (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵) و دلیل آن را آثار وجودی بیشتر انسان دانا می‌داند: «آثار وجودی دانا، بیش از نادان است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳)؛ لذا «کمال هر چیزی در ظهور خاصیت آن است» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۲). پس تفاوت بین افراد انسان در نفس انسانیت نیست بلکه به حسب ظهور خواص انسانیت در افراد انسان است. استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به وجود تفاوت‌های فردی در انسانها تأکید شود. گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از وجود تفاوت‌های فردی انسانها همراه است. اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس تفاوت‌های فردی انسانها صورت پذیرد. - اصل پرورش قوای عقلانی انسان: از نظر علامه، نفس ناطقه انسانی، دارای دو قوه عقل نظری و عقل عملی می‌باشد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). لذا باید عقل هیولانی آنها را برای عقل بالفعل شدن، مورد توجه قرار داد. قوه نظری به حسب شدت و ضعف مختلف است و مرتبه اول را عقل هیولانی و سپس به ترتیب عقل بالملکه و مرتبه آخر را عقل بالفعل می‌نامد. علامه انسانها را از نظر قدرت عقلی، به دو دسته مکتفی و ناقص تقسیم کرده و نفوس انبیاء از نوع مستکفی است و ناقص شامل بیشتر مردم است. عقل عملی در رسیدن به اوج سعادت و کمال، ناچار است مراتب «تجلیه، تخلیه، تحلیه و فناء» را سپری کند. همانطور که عقل نظری نیز، مراحل هیولانی، بالملکه و بالفعل را باید طی نماید. استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به پرورش قوای عقلانی انسان تأکید شود. گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از پرورش قوای عقلانی انسان همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس پرورش قوای عقلانی صورت پذیرد.  
- اصل ایجاد جامعه عقلانی انسانی: از نظر علامه فقط یک جامعه است که می‌تواند انسانی باشد و آن جامعه ای است که براساس عقل الهی استوار باشد و غیر از این هر جامعه ای تشکیل شود خیالی خواهد بود و اصلاً یک جامعه انسانی نیست تا بخواهد بحث شود که آیا این اجتماع مدنی است یا غیرمدنی؟! و برای تشکیل جامعه عقلانی انسانی باید افراد آن جامعه قوه خیال خود در بخش اعتقادات، تخیلات و در میدان آمال و آرزوها را تطهیر کنند تا از حیوان باهوش و تمدن حیوانی خارج شوند و تمدن انسانی پیدا کنند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳).

استنتاج اصل تربیت اجتماعی به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به ایجاد جامعه عقلانی انسانی تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از ایجاد جامعه عقلانی انسانی همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید برای ایجاد جامعه عقلانی انسانی صورت پذیرد.

- اصل تأثیر متقابل علم و عمل بر یکدیگر: از نظر علامه، طبق احادیث «العلم امام العمل والعمل تابعه»: علم امام عمل است و سعادت حقیقی انسان جز با علم بایسته و عمل شایسته تشکیل نمی‌شود (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱) و هر کسی با خلق و خوی خود عمل می‌کند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۶). همچنین ایشان معتقدند علم، همان عمل و عمل همان علم است که به اتحاد وجودی بین علم و عمل تعبیر می‌شود: «بدان که انسان جز علم و عمل خود نیست و این دو بانفس اتحاد وجودی می‌یابند. انسان در واقع همان ادراک است، خواه از علم باشد و خواه از عمل» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). لذا آنچه آدمی را از تباهی نجات می‌دهد، همانا دانش و کردار شایسته است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۳۹۳). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به تأثیر متقابل علم و عمل بر یکدیگر تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از تأثیر متقابل علم و عمل بر هم همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس تأثیر متقابل علم و عمل بر همدیگر صورت پذیرد.

- اصل نوع دوستی و مهربانی بامردم: از نظر علامه نوع دوستی و مهربانی بامردم باعث می‌شود فرد مظهر اسم شریف رحمن بشود و صفت رحمانیت در وجود خود پیاده کند نه اینکه چون درندگان به جان دیگران بیفتند. همچنین انسان ذاتاً بنده نیکی و احسان می‌شود: «با خلق خدا

مهربان باش و با زبانت، آبرویت، قلمت، درهم و دینارت احسان کن» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲) ولی اگر کسی به هردلیلی نتوانست مهربانی در حق کسی انجام دهد لاف او را آزرده خاطر نکند که شاید دل آن فرد جایگاه خداوند باشد (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به نوع دوستی و مهربانی با مردم تأکید شود.  
 گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از نوع دوستی و مهربانی با مردم همراه است.  
 اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید بر اساس نوع دوستی و مهربانی با مردم صورت پذیرد.  
 - اصل تکریم انسان‌ها: از نظر علامه، نیکی و احسانی که به انسان می‌شود هم از نزدیکان می‌باشد و هم از افراد غریبه. لذا انسان‌های بسیاری به ما لطف و مهربانی دارند که از رفتگر و نظامی تا معلم و بنا و کارگر و... را دربر می‌گیرد و تکریم و بزرگداشت از آنها را بر ما واجب می‌کند: «آیا هر یک از ما خویشان را دوست ندارد و بود او وابسته به بود این افراد و اصناف اجتماع نیست؟ پس آیا نباید بدانها احترام بگذاریم؟ تصدیق خواهید فرمود که باید خیر آنها را خواست و بدانها احترام گذاشت» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). این احترام نمونه‌ای از تکریم انسان‌ها می‌باشد. استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به تکریم انسان‌ها تأکید شود.  
 گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از تکریم انسان‌ها همراه است.  
 اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید بر اساس تکریم انسان‌ها صورت پذیرد.  
 - اصل تعاون و همکاری با یکدیگر: علامه افراد جامعه را در حال خدمت به یکدیگر می‌داند که نیازهای یکدیگر را برآورده و به یکدیگر یاری می‌رسانند. «هریک به نوبت خود عضوی از اعضای پیکر اجتماعند و همه در کار همدیگرند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). حال وظیفه ما این است که به عنوان عضوی از جامعه، بخشی از نیازهای جامعه را برطرف و به انسان‌های دیگر خدمت کنیم: «آیا بود او وابسته به بود این افراد و اصناف اجتماع نیست؟ پس ما که خودمان را می‌خواهیم و دوست داریم آیا نباید ما هم بدانها خدمت کنیم؟» (همان). استنتاج اصل تربیت اجتماعی به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به تعاون و همکاری با یکدیگر تأکید شود.  
 گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از تعاون و همکاری با یکدیگر همراه است.  
 اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید بر اساس تعاون و همکاری صورت پذیرد.

- اصل صله ارحام: از نظر علامه، اصل رَحِم، بسیار گسترده است و فقط شامل خویشان انسان نمی‌باشد و از طبیعت تا خداوند را شامل می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس صله رحم نماید، من نیز با او بیوندم و هر کس قطع رحم کند، من نیز از او بیرم (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). در صله ارحام بحث تقوا بسیار مهم می‌باشد: «در معاشرت افراد بایکدیگر اول چیزی که اهمیت دارد ایمان، خداشناسی، تقوا و راستی، درستی و حقیقت آنهاست» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۸)؛ لذا «هر کس تو را از مسیر انسانی به درمی‌برد پرهیز، ولو پدر، مادر، فرزندان باشد. این دیگر رحم نیست، بیگانه است. از او برکنار باش» (همان). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به صله رحم تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از صله رحم همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید بر اساس صله رحم صورت پذیرد.

- اصل عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم: علامه عدالت را حد وسط بین افراط و تفریط می‌داند و برای رسیدن به صفت عدالت نیاز به دستورالعمل است. نمونه عدالت از نظر ایشان، رفتار عدالت‌آمیز با دشمن و دوست در حال غضب و خشنودی، میانه روی در حال فقر و غنا، اعتدال در خوف و رجاء به خدا می‌باشد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از عدالت طلبی (مبارزه با ظلم و ستم) همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید بر اساس عدالت طلبی صورت پذیرد.

- اصل اعتدال: علامه به مسأله اعتدال در مزاج بدن و زندگی نیز اشاره نموده است. از نظر ایشان، مزاج‌ها، نه گونه‌اند و از میان آنها فقط یکی در حد اعتدال است. هر چه مزاج انسانی به اعتدال ممکن نزدیک‌تر باشد، قوه خیال صحیح‌تر می‌باشد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۷). ایشان به اعتدال در زندگی شامل خور و خواب نیز اشاره نموده: «سخن و خوراک و خواب باید به قدر ضرورت باشد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به اعتدال در زندگی تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از اعتدال در زندگی همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس اعتدال درزندگی صورت پذیرد.  
 - اصل آزادی و اختیار (پرورش انسان آزاده): از نظر علامه، دلیل مختار و آزاد بودن انسان، انسان سازی می باشد: تنها هدفی که برای خلقت عالم متصور است، همان انسان سازی است (همان). از نظر ایشان، انسان فقط باید بنده خدا باشد و غیر از او درمقابل هیچ احدی سر خم ننماید. همچنین درباره بالاترین آزادی یعنی بی توجهی به دنیا و آخرت و تنها توجه نمودن به خداوند می فرمایند: آیا به یاد او از هر دو جهان آزادی یا نه؟ (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱).  
 استنتاج اصل تربیت اجتماعی به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به آزادی و اختیار تأکید شود.

گزاره واقع نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از آزادی و اختیار همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس آزادی و اختیار صورت پذیرد.

- اصل مسئولیت پذیری: علامه مسئولیت پذیری افراد جامعه رادخدمت به دیگران می داند و افراد را از سربار شدن به جامعه نهی می نماید: «دور از انصاف است که او نیز عضو فعالی از پیکر اجتماع نباشد و بدان خدمت نکند که ناچار باید بار خود را بر دوش دیگران نهد و کلّ بر آنان باشد و شر الناس کلّ الناس را نادیده بگیرد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۶). ایشان تجارت و داشتن شغل را از مسئولیت پذیری انسان می داند: «تجارت را مغتنم بشمار که انسان بیکار از دنیا و آخرت هر دو می ماند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:

گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به مسئولیت پذیری تأکید شود.

گزاره واقع نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از مسئولیت پذیری همراه است.

اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس مسئولیت پذیری صورت پذیرد.

- اصل عدم طفره: «طفره» به معنای تحقق آنی یک پدیده بدون طی کردن مقدمات لازم و تأمین شدن منطقی و طبیعی سلسله علل است. علامه امکان طفره در امور محسوس و معقول را غیرممکن می دانند. لذا طفره در عالم ماده و معنا محال است (حسن زاده آملی، ۱۳۶۶). مثلاً عقل هیولانی به عقل بالفعل برسد بدون این که عقل بالملکه را گذارنده باشد. این اصل مانند مراحل رشد کودکی است که ناچار برای بزرگ شدن، تمام مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را باید پشت سر گذاشت. استنتاج اصل تربیت اجتماعی متناسب به شرح زیر است:  
 گزاره هنجاری: در تربیت اجتماعی باید به عدم طفره تأکید شود.

گزاره واقع‌نگر: تربیت اجتماعی با آگاهی از عدم طفره همراه است.  
اصل تربیتی: تربیت اجتماعی متربی باید براساس عدم طفره صورت پذیرد.  
روشهای تربیت اجتماعی براساس اصول علامه حسن زاده آملی کدامند؟

- روش دوری از افراد طالح و پیوستن به افراد صالح: از نظر علامه: «نطفه و مری و اجتماع و معاشر از اصولی اند که در سعادت و شقاوت انسانی دخلی به سزا دارند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). لذا ایشان نحوه معاشرت با انسانها در جامعه را چنین بیان می‌نماید: «از روش نابخردان همواره دوری گزین» (همان) و «شایسته است بر تو که از معاشرتهای خالی از تعلیم بامردم بکاهی، به ویژه ثروتمندان و مترفین و دنیا خواهان ... و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). برای استنتاج روش تربیتی از دو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، انسان از فرد و اجتماع، تأثیر می‌پذیرد.  
گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان در پرتو دوری از افراد طالح و پیوستن به افراد صالح به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید از افراد طالح دوری کند و به افراد صالح پیوندد.

- روش توجه به وسع و توانایی انسان‌ها: از نظر علامه تفاوت بین افراد انسان، در نفس انسانیت نیست (حسن زاده آملی، ۱۳۷۳) بلکه در ظهور خاصیت آن است. همه انسانها مانند دندان‌های شانه بایکدیگر برابرند. انسانها به علت آرمان‌ها، دانش و بینش، میزان عمل و ظهور استعدادها، بایکدیگر اختلاف دارند و در تربیت اجتماعی آنها باید به این نکته توجه کرد. لذا روش تربیتی زیر را می‌توان استنتاج کرد:

اصل: در تربیت اجتماعی انسان‌ها، باید به تفاوت‌های فردی توجه شود.

گزاره روشی توصیفی: تفاوت‌های فردی انسان نقش مؤثری در وسع و توانایی وی دارد.

روش: در تربیت اجتماعی متربیان، باید به وسع و توانایی آنها توجه شود.

- روش پیروی از دستورات قرآن و ائمه (پیاده کردن قرآن در زندگی): علامه، درباره پیاده کردن قرآن در زندگی معتقد است قرآن، مأدبه و ادبستان است: «قرآن به انسان ادب یاد می‌دهد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). از این دستور به اندازه توانایی خود فرابگیرید (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). دستور العمل انسان فقط و فقط قرآن کریم و سنت رسول خاتم آل او علیهم

السلام است و جز آن هوی و هوس است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شده است:

اصل: در تربیت اجتماعی، پرورش انسان عقلانی صورت می‌پذیرد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی با پیروی از قرآن و دستورات ائمه بدست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید از قرآن و دستورات ائمه پیروی کند.

- روش استفاده از علوم و تجربیات: از نظر علامه انسان به واسطه عقل نظری، کسب معارف و به واسطه عقل عملی، به انجام اعمال و صناعات می‌پردازد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳) و به هر میزان که علم و عمل در انسان تقویت شود، استکمال این دو نیز بیشتر خواهد شد. انسان «از تجربیات و تحصیلات علوم، روشن تر و هوشمندتر و داناتر می‌گردد» (حسن زاده آملی، بی تا). از مصادیق علوم، علم منطقی می‌باشد. برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، پرورش انسان عقلانی صورت می‌پذیرد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان با استفاده از علوم و تجربیات بدست می‌آید.

روش: انسان در تربیت اجتماعی باید از علوم و تجربیات استفاده کند.

- روش تطهیر قوه خیال: از نظر علامه اگر انسان این قوه را تطهیر نکند در تمام امور ظاهریه خود دچار مشکل می‌شود. بیشتر دشمنی‌های مرسوم بین مردم نیز براساس قوه خیال است. همه راقوه خیال بازی گرفته است (صمدی آملی، ۱۳۸۳) و زمانی جامعه‌ای عقلی خواهد بود که افراد آن جامعه قوه خیال خود را هم در بخش اعتقادات و در بخش تخیلات و هم در میدان آمال و آرزوها تطهیر کنند (همان) و این تطهیر به وسیله منطق و برهان همراه با تهذیب نفس صورت می‌گیرد. برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، پرورش انسان عقلانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان در پرتو تطهیر قوه خیال به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید قوه خیال را تطهیر کند.

- روش استفاده از اساتید و مربیان خبره: علامه معتقدند انسانها باید تحت آموزش انسانهای کامل و راه بلد قرار بگیرند تا در جامعه رفتار مناسب داشته باشند: «اگر در تحت تعلیم و تربیت افرادی که وادیه‌ها طی کرده اند و منازل پیموده اند و گردنه‌ها را پشت سر گذاشته اند قرار

بگیریم، آنگاه خواهیم دید که از کمون این شجره طیبه الهیه چه ثمراتی به عرصه ظهور می‌رسد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳) و «جانهای ما مزرعه الهی است و مزرعه جان رابه دست زارع آن بسپارید» (همان). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، پرورش انسان عقلانی مورد توجه قرار می‌گیرد.  
گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان با استفاده از اساتید خیره بدست می‌آید.  
روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید از اساتید و مربیان خیره استفاده کند.  
- روش الگوبرداری و تبعیت از الگوی انسان کامل: علامه معتقدند رهبر جامعه انسانی عقلانی باید انسان کاملی باشد که بالاترین میزان کمالات رادربین انسانها دارا باشد: «انسان کامل حایز جمیع مراتب کمالات است، که هم فاعل درفاعلیت تام است و هم قابل درقابلیت» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۶). همچنین انسان کامل: «آن است که خود دارای نور برهان و بر مسیر تکاملی انسانی است و چنین کسی معیار سنجش حق و باطل جامعه انسانی است و چنین انسانی قدوه و سرمشق دیگران است» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی زیراستفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، ایجاد جامعه عقلانی انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد.  
گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان باتبعیت از الگوی انسان کامل بدست می‌آید.  
روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید از الگوی انسان کامل تبعیت کند.  
- روش تعلیم و تأدیب: علامه به آموزش بسیاراهمیت می‌دهد و معتقدند باید آن رادرمتن زندگی پیاده نمود و به عنوان مسائل حاشیه ای به آن نگاه نکرد: «تعلیم و تأدیب باید درمتن اجتماع و اطوار و شئون حقیقت ما قرار بگیرد نه درحاشیه زندگی ما» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). همچنین این آموزش شامل هر دو جنس زن و مرد می‌شود؛ زیرا طلب علم برای هر زن و مرد مسلمان جزء فرایض دینی می‌باشد. روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، ایجاد جامعه عقلانی انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد.  
گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان درپر تو تعلیم و تأدیب به دست می‌آید.  
روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید مورد تعلیم و تأدیب قرار بگیرد.



- روش بهره‌گیری از علم نافع و عمل صالح: از نظر علامه، کمال انسان، در حصول انواع فضایل نظری و عملی است. ایشان خوراک انسان را علم نافع و عمل صالح می‌داند: «انسان از آن حیث که انسان است خوراک او علم نافع و عمل صالح است» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵). نفس انسانی به پذیرفتن علم و عمل توسع و اشتداد وجودی می‌یابد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۰)؛ علم نافع برای کمال عقل نظری و عمل صالح برای کمال عقل عملی لازم است. برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، علم و عمل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی انسان در پرتو بهره‌گیری از علم نافع و عمل صالح به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی متربی، باید از علم نافع و عمل صالح بهره برد.

- روش محبت و نیکی بامردم: از نظر علامه، انسان که خود را جانشین خدا می‌داند باید نودوست و مهربان باشد و بشود مظهر اسم شریف رحمن و صفت رحمانیت را در وجود خود پیاده کند: حالا یک کسی نسبت به من یک بدی کرد، آقا تا من انتقامش را نگیرم و لش نمی‌کنم. نکته دیگری که ایشان در بحث مهربانی و نیکی به هم‌نوعان مطرح می‌کند این است که انسانها برای این کار نیازمند ابزاری به نام علم اخلاق می‌باشند: «هر چند اکثر مردم به حسب فطرت متمایل به خیرند و اگر نبودند تربیت آنها غیر مقدور بود، معذک شکی نیست که تذکر و بیان و نصیحت در ترویج اخلاق مردم و تشکیل مدینه فاضله مدخلیت تام دارد» (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، نوع دوستی و مهربانی بامردم مورد توجه می‌باشد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو محبت و نیکی بامردم به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید بامردم بامحبت و نیکی رفتار کند.

- روش تواضع و فروتنی با همه مردم: از نظر علامه، خدمت به دیگران باید همراه با فروتنی (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲) باشد و از خصلت زشت سنگدلی میرا باشد. زیرا سنگدل از خداوند دورتر است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، نوع دوستی و مهربانی بامردم مورد توجه می‌باشد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو تواضع و فروتنی با مردم بدست می‌آید. روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید با تواضع و فروتنی با همه مردم رفتار کند. - روش احترام و قدرشناسی از مردم: علامه، در این باره می‌فرماید: «آیا این مردم به ما خدمت نکرده‌اند و خدمت نمی‌کنند؟ آیا این رفتگر به ما خدمت نمی‌کند آیا آن بازرگان، آیا این سرباز و پاسبان و پلیس و آیا ناخدایان به ما خدمت نمی‌کنند؟ پس آیا نباید بدانها احترام بگذاریم؟ بافی الجملة الثفات نظر تصدیق خواهید فرمود که باید بدانها احترام گذاشت» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، احترام و قدرشناسی از دیگران مورد توجه می‌باشد. گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو احترام و قدرشناسی از مردم بدست می‌آید. روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید با احترام و قدرشناسی با مردم رفتار کند. - روش مشارکت با یکدیگر: علامه، افراد جامعه را در حال خدمت به یکدیگر می‌داند و افراد با مشاغلی که دارند می‌توانند نیازهای همدیگر را برآورده نمایند به طوری که بهتر بتوانند جامعه انسانی عقلانی تشکیل دهند: «یکی حصیر می‌بافد و دیگری حریر و دیگر پیشه‌وران که هر یک به نوبت خود عضوی از اعضای پیکر اجتماعند و همه در کار همدیگرند» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). حال وظیفه ما به عنوان عضوی از جامعه، چیست؟: «آیا نباید ما هم بدانها خدمت کنیم؟» (همان). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، تعاون و همکاری با یکدیگر مورد توجه می‌باشد. گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو مشارکت با یکدیگر به دست می‌آید. روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید با دیگران مشارکت داشته باشد. - روش رسیدگی به خویشان و نزدیکان: از نظر علامه ارحام کسانی هستند که انسان رابه ایمان، خداشناسی، تقوا و راستی، درستی و حقیقت متوجه می‌نمایند: «از هر کسی که تو را از مسیر انسانی به درمی‌برد بپرهیز، ولو پدر، مادر، فرزندان باشد. در اینجا نفرماید که رحم است، این دیگر رحم نیست، این بیگانه است. از او برکنار باش» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۸). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد: اصل: در تربیت اجتماعی، صلح رحم مورد توجه می‌باشد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو رسیدگی به خویشان به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید به خویشان و نزدیکان ریدگی نماید.

- روش خودمعیاری: علامه معتقدند در درون انسان معیار سنجش حق و باطل وجود دارد: «هرچه را که برای خویشان روا نمی‌داری بر دیگران روا مدار. هرچه را که در نظر تو ناپسند است، برای دیگران روا مدار. هرچه را که برای خویشان دوست داری، همین راهم درباره دیگران اجرا کن. آن چیزی را برای بندگان خدا بخواه که برای خودت می‌خواهی و هرچه را که برای خودت نمی‌خواهی برای بندگان خدا مخواه» (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم مورد توجه است.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو خودمعیاری به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید خود را معیار قرار بدهد.

- روش اقتصاد و میانه روی در زندگی: از نظر علامه اعتدال باید در مزاج بدن و در زندگی مادی انسان رعایت شود: طیب در مداوای مزاج، برای صحت مزاج و قرب وی به اعتدال، ناچار است که کیفیت زاید را تنقیص کند و ناقصه را از دیاد بخشد تا مقصود که قرب به اعتدال است حاصل شود (حسن زاده آملی، ۱۳۸۷). همچنین «سخن و خوراک و خواب باید به قدر ضرورت باشد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱) که پر خوری، قلب رامی میراند و نفس را طغیانگر بارمی آورد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم مورد توجه است.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو اقتصاد و میانه روی بدست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید اقتصاد و میانه روی در زندگی را رعایت نماید.

- روش به کارگیری دین در شناخت آزادی حقیقی: علامه درباره نقش دین در آزادی حقیقی معتقدند غرب انسان را به هوس بازی محدود کرده؛ اما دین، انسان را از این گونه لذات حسیه محدود می‌کند تا انسان را آزاد بسازد. دین می‌گوید: «خودت را محدود به این حد نکن، چون مقام و ارزش تو فوق اینهاست. دین، آزادی ظاهری را محدود می‌کند تا انسان حقیقتاً آزاد شود» (موسوی، ۱۳۹۰). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استفاده شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، آزادی و اختیار (پرورش انسان آزاده) مورد توجه است. گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو به کارگیری دین در شناخت آزادی حقیقی به دست می‌آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید از دین در شناخت آزادی حقیقی بهره‌گیری کند. - روش مخالفت با هوای نفس: از نظر علامه، انسان فقط باید بنده خدا باشد و غیر از او در مقابل هیچ احدی سر خم ننماید و این امر فقط با آزادی نفس از هوای و هوس امکان پذیر است (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵) و در حقیقت زنجیر واقعی، خودِ نفس ماست (حسن زاده آملی، ۱۳۷۶). لذا آزادی واقعی در سرسپردگی به خداست: دل رابه دست دلدار ده و آزاد باش (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱) و تن به دنیا دار و دل به مولا (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱) و از پیروی نفس حذر کن (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱). روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، آزادی و اختیار (پرورش انسان آزاده) مورد توجه است. گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو مخالفت با هوای نفس به دست می‌آید. روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید با هوای نفس مخالفت کند.

- روش انجام درست وظایف: از نظر علامه، انسان در برابر یکایک افراد جامعه مسئول است و انتظار می‌رود که وظایف خود در برابر دیگران را باینکی به انجام رساند و بکوشد تا در نیکوکاری و پرهیزکاری، دیگران را یاری دهد (مانده، آیه ۲) و از آزردن دیگران بادرست و زبان پرهیز کند (کلینی، ۱۳۴۴). ایشان احترام به حقوق دیگران را از وظایف و مسئولیتهای افراد یک جامعه در قبال یکدیگر می‌داند و بر همین اساس، ضروری است در مناسبات اجتماعی میان افراد از ستم و ستمگری پرهیز شود. روش تربیتی ازدو گزاره اصلی و روشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری انسان مورد توجه است. گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو انجام درست وظایف به دست می‌آید. روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید وظایف خود را درست انجام دهد.

- روش تدریجی بودن: علامه بر اساس اصل عدم طفره، درباره تدریجی بودن مثالهای زیادی دارد: نطفه از نباتی به حیوانی و از حیوانی به انسانی ارتقا می‌یابد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳) و قوه نظری نفس مناسب مرتبت اولی را عقل هیولانی و قوه نفس مناسب مرتبه متوسط را عقل

بالمملکه وقوه نفس مناسب مرتبه اخیر راعقل بالفعل نامند (همان) وقوه عملیه نیز درنفس انسانیه درسیدن به اوج کمال، ناچاراست مراتب چهارگانه «تجلیه، تخلیه، تحلیه وفناء» را سیر نماید (رضایی، ۱۳۹۴) وحتى درباره تدریجی بودن ایجاد جامعه عقلانی انسانی بیان می دارند: جامعه دارای مراتب خیالی و عقلی می باشد وحتى تا فوق مجرد عقلی نیز می تواند برسد. به عبارت دیگر ازازل مراتب (حس وطبع) تا اعلی المراتب (عقلانی وفوق مجرد عقلانی) امتداد دارد (حسن زاده آملی، ۱۳۷۱). روش تربیتی ازدو گزاره اصلی وروشی توصیفی به شرح زیر استنتاج شد:

اصل: در تربیت اجتماعی انسان، طفره صورت نمی گیرد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو تدریجی بودن به دست می آید.

روش: در تربیت اجتماعی متربی، باید به تدریجی بودن توجه نمود.

- روش غنیمت شمردن زمان: علامه معتقد است نباید زمان را ازدست داد و باید هرچه سریع تر به دنبال کمال و آینده ای سعادت مند بود تا فرصتها وامکانات ازدست نرود: «هم اکنون در پی تحصیل کمال بوده باشید تا آتیه ای سعادت مند داشته باشید زیرا که باور کرده اید هر چیز تا به کمال نرسیده است قدر و قیمت ندارد» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳). برای استنتاج روش تربیتی ازدو گزاره اصلی وروشی توصیفی به شرح زیر استفاد:

اصل: در تربیت اجتماعی انسان، طفره صورت نمی گیرد.

گزاره روشی توصیفی: تربیت اجتماعی در پرتو غنیمت شمردن زمان به دست می آید.

روش: در تربیت اجتماعی، متربی باید زمان را غنیمت بشمارد.

جدول ۱. اصول و روشهای تربیت اجتماعی بر مبنای دیدگاه انسان شناختی علامه حسن زاده آملی

اصول تربیت اجتماعی	روشهای تربیت اجتماعی
«تأثیر متقابل فرد واجتماع بر یکدیگر»	«دوری از افراد طالح و پیوستن به افراد صالح»
«وجود تفاوت های فردی»	«توجه به وسع و توانایی انسان ها»
«پرورش انسان عقلانی»	«پیروی از قرآن و دستورات ائمه (پایه کردن قرآن در زندگی)»، «استفاده از علوم و تجربیات»، «تطهیر قوه خیال» و «استفاده از اساتید و مربیان خبره»
«ایجاد جامعه عقلانی انسانی»	«الگو برداری و تبعیت از الگوی انسان کامل» و «تعلیم و تأدیب»
«تأثیر متقابل علم و عمل بر یکدیگر»	«بهره گیری از علم نافع و عمل صالح»

اصول تربیت اجتماعی	روشهای تربیت اجتماعی
«نوع دوستی و مهربانی بامردم»	«محبت و نیکی بامردم» و «تواضع و فروتنی بامردم»
«تکریم انسان‌ها»	«احترام و قدرشناسی از مردم»
«تعاون و همکاری بایکدیگر»	«مشارکت بادیگران»
«صله ارحام»	«رسیدگی به خویشان و نزدیکان»
«عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم»	«خودمعیاری» و «اعتدال و میانه روی در زندگی»
«اعتدال»	«اقتصاد و میانه روی در زندگی»
«آزادی و اختیار(پرورش انسان آزاده)»	«به کارگیری دین در شناخت آزادی حقیقی» و «مخالفت با هوای نفس»
«مسئولیت پذیری»	«انجام درست وظایف»
«اصل عدم طفره»	«تدریجی بودن» و «غنیمت شمردن زمان»

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد از نظر علامه حسن زاده آملی، اصول تربیت اجتماعی، ۱۴ مورد می‌باشد که عبارتند از: تأثیر متقابل فرد و اجتماع بایکدیگر؛ وجود تفاوت‌های فردی در انسانها؛ پرورش قوای عقلانی انسان؛ ایجاد جامعه عقلانی انسانی؛ تأثیر متقابل علم و عمل بایکدیگر؛ نوع دوستی و مهربانی بامردم؛ تکریم انسانها؛ تعاون و همکاری بایکدیگر؛ صله ارحام؛ عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ستم؛ اعتدال؛ آزادی و اختیار(پرورش انسان آزاده)؛ مسئولیت پذیری؛ عدم طفره. روشهای تربیت اجتماعی علامه نیز، ۲۱ مورد می‌باشد که عبارتند از: دوری از افراد طالح و پیوستن به افراد صالح؛ توجه به وسع و توانایی انسانها؛ پیروی از دستورات قرآن و ائمه (پیاده کردن قرآن در زندگی)؛ استفاده از علوم و تجربیات؛ تطهیر قوه خیال؛ استفاده از اساتید و مربیان خبره؛ الگوبرداری و تبعیت از الگوی انسان کامل؛ تعلیم و تأدیب؛ بهره‌گیری از علم نافع و عمل صالح؛ محبت و نیکی بامردم؛ تواضع و فروتنی با همه مردم؛ احترام و قدرشناسی از مردم؛ مشارکت بایکدیگر؛ رسیدگی به خویشان و نزدیکان؛ خودمعیاری؛ اقتصاد و میانه روی در زندگی؛ بکارگیری دین در شناخت آزادی حقیقی؛ مخالفت با هوای نفس؛ انجام درست وظایف؛ تدریجی بودن تربیت اجتماعی؛ غنیمت شمردن زمان. پیشنهاد می‌گردد نوع نگاه و نگرش سیاستگذاران آموزشی و مسئولان، نسبت به نقش و جایگاه

تربیت اجتماعی تغییر نماید به طوری که تربیت اجتماعی و مسائل مرتبط به آن، در اولویت‌های پژوهشی و اجرایی، در کلیه سطوح ستادی تا صف، قرار گیرد. همچنین با توجه به روابط اجتماعی در سطوح منطقه‌ای و محلی، تنوع قومی و فرهنگی و تفاوت‌های محیطی در ایران، پیشنهاد می‌گردد تمهیدات و تدابیری جهت تهیه و تولید بسته‌های آموزشی با موضوعیت تربیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن متناسب با مقتضیات بومی در کنار هویت ملی مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر، در جامعه، آموزش‌ها بیشتر جنبه شناختی دارد. در صورتی که آموزش‌ها علاوه بر شناختی، باید مهارتی نیز بشود مانند آموزش مهارت‌های زندگی، تعاملات ارتباطی و... تا مؤثرتر واقع شود. همچنین تلاش شود در تربیت اجتماعی، از تخیل و ابزارهای مختلف هنری برای جذاب‌تر شدن و جلب تمایل استفاده گردد.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## سپاسگزاری

نویسنده مسئول از استاد راهنما و مشاوران که در این پژوهش بنده رایاری نمودند کمال تشکر و قدردانی رادارم.

## منابع

- دشتی، محمد. (۱۳۸۲). *نهج البلاغه*، قم: جمکران.
- افلاطون. (۱۳۸۰). *دوره آثار افلاطون*. جلد ۳، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*. جلد ۲، تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). *رویکردها و روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهشتی، سعید؛ افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶). *تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه*. *تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان، ۷-۳۹.
- پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۸۳). *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه احمد نراقی و سلطانی. تهران: طرح نو.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. قم: اسراء.
- چالمرز، آلن فرانسیس. (۱۳۹۶). *چیستی علم*. ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.

- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۲). *انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: قیام.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۴). *الهی نامه*. تهران: رجاء.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۵). *هزار و یک نکته*. تهران: رجاء.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۶). *اتحاد عاقل به معقول*. تهران: حکمت.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۲). *هزار و یک کلمه*. جلد ۵، قم: بوستان کتاب.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۳). *رساله فارسی انه الحق*. قم: قیام.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۰). *گنجینه گوهر روان*. تهران: طوسی.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۱). *پندهای حکیمانه در آثار استاد حسن زاده آملی*. گردآورنده عباس عزیزی، اصفهان: قائمیه.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۱). *نامه‌ها برنامه‌ها*. قم: الف لام میم.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۳). *دروس معرفت نفس*. قم: الف لام میم.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۵). *تکمله در شرح صد کلمه در معرفت نفس*. شارح جمشید صاعدی سمیری، بی‌جا: بی‌نا.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۵). *حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی (ع)*. گردآورنده مهدی الهی قمشه‌ای، قم: الف لام میم.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۶). *صد کلمه در معرفت نفس*. قم: قیام.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۰). *صد کلمه در معرفت نفس همراه بابریخی از اشعار منتشر نشده استاد*. قم: الف لام میم.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۲). *عوامل مؤثر در تربیت فرزند*. پاسدار اسلام، شهریار و مهر، شماره ۳۸۱ و ۳۸۲.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۴). *ساده زیستی؛ رمز آرامش*. پاسدار اسلام، تیر و مرداد، شماره ۴۰۱.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۶). *گوهر وجودت را از زبان مغروش*. پاسدار اسلام، آبان و آذر، شماره ۴۲۹ و ۴۳۰.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۸). *توصیه‌های حضرت علامه حسن زاده آملی برای رسیدن به مقصد اعلای زندگی؛ انسان در جستجوی کمال*. پاسدار اسلام، دی و بهمن، شماره ۴۵۵ و ۴۵۶.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۹). *انسان و قرآن*. تهران: الزهراء.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۱). *هزار و یک کلمه*. جلد ۱، قم: بوستان کتاب.



- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۷). ولایت تکوینی. قم: الف لام میم.
- خلیلی، مصطفی. (۱۳۸۷). اصالت فرد یا جامعه. معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲۶، خرداد.
- ذوعلم، علی. (۱۳۹۸). تبیین مفهومی و راهبردهای تربیتی: رابطه با خود، خدا، خلق و خلقت در برنامه درسی ملی (بخش اول و پایانی). رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، دوره ۳۲، شماره ۱ و ۲ (۱۱۰ و ۱۱۱). پاییز و زمستان، ۲۱-۲۷.
- رضایی، سعید. (۱۳۹۴). رابطه خودشناسی با خداشناسی از دیدگاه مولانا و حسن زاده آملی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- رمضانی، حسن. (۱۳۷۴). مروری بر آثار و تألیفات استاد فرزانه حضرت آیت الله علامه حسن حسن زاده آملی. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های تهران و علوم پزشکی.
- رهنمایی، سیداحمد. (۱۳۸۸). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- صمدی آملی، داوود. (۱۳۸۳). شرح مراتب طهارت، از رساله وحدت از دیدگاه عارف و حکیم علامه حسن زاده آملی. جلد ۱، قم: نورالسیجاد.
- فرید، محمدصادق. (۱۳۸۰). مبانی انسان‌شناسی. تهران: پشتون.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۷۲). سیر حکمت در اروپا. جلد ۲، تهران: زوار.
- فضل‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۹۲). نگاهی به فلسفه تربیتی علامه حسن زاده آملی. اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۰۰۹-۱۰۲۳.
- فهیمی‌نیا، فهیمه. (۱۳۹۲). انسان‌شناسی فلسفی عرفانی از دیدگاه علامه حسن زاده. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- قائمی، علی. (۱۳۷۸). زمینه تربیت. تهران: امیری.
- قیصوری، سمیه. (۱۳۹۵). نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن زاده آملی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- گاست، خوسه ارتگای. (۱۳۷۶). انسان و بحران، ترجمه احمد تدین، ویراستار جهانگیر افکاری، تهران: علمی و فرهنگی.
- محمودیان، محمد. (۱۳۹۱). تاثیر اندیشه‌های نوسلفیسم بر روند فکری-ایدئولوژیک القاعده. پژوهشگاه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره سوم.
- ملاسمانی، فرشته؛ قائمی، علی؛ بهشتی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده. روانشناسی تربیتی، شماره ۱۷، سال ۶، تابستان، ۱۱۹-۱۴۵.

موسوی، سیدحسین. (۱۳۹۰). *رصد دل‌تنگی‌ها (خاطرات داوود صمدی آملی)*. جلد ۲، قم: روح وریحان.

مهدی پور، محمد؛ بهادری، محمدباقر. (۱۳۹۰). خودشناسی و اهمیت آن در اشعار حسن زاده آملی. *زبان و ادب فارسی*، سال ۶۴، پاییز و زمستان، شماره ۲۲۴، ۸۷-۱۱۳.

نقوی، فاطمه. (۱۳۹۲). *بررسی مقایسه‌ای کمال و غایت نفس در دیدگاه آیت الله حسن زاده آملی*. ویاسپرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

واعظی، احمد. (۱۳۷۷). *انسان‌از دیدگاه اسلام*. تهران: سمت.

## References

Osher, D., Brackett, M., Dymnicki, A., Jones, S., Weissberg, R., P. (2016). Advancing the science and practice of social and emotional learning: Looking back and moving forward. *Review of Research in English*, 40, 644-681.



**استناد به این مقاله:** حسن زاده، روح‌اله، شریعتی، سیدصدرالدین، بهشتی، سعید و سلحشور، احمد. (۱۴۰۰). مبانی انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی و استنتاج اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از آن. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷(۶۱)، ۱۳۹-۱۶۴. doi: 10.22054/jep.2022.63596.3475



Educational Psychology is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.